

دانش نامه

پیرانشهر

« پیرانشهر از ظهور تا کنون، مردم گرد، مله ریخ، آداب و رسوم، طوایف و بافت جمعیتی، باورها و عقاید عامیانه، زبان سردی پدینه، شاخه‌ها، جشن‌های دینی و ملی، موسیقی و ترانه، و انواع آن، آداب مرگ و ترمیم، ازدواج و انواع رقص محلی، بازی‌ها، لباس و زیور آلات، طب سنتی، گیاهان و درمانگری، ملی، غذاها، قصه و داستان، ضرب المثل و چیستان، آثار باستانی، گردشگری »

تحقیق و تألیف

دکتر کمال روحانی

(مدرس دانشگاه)

سرشناسه	: روحانی، کمال: ۱۳۵۵
عنوان نام پدیدآور	: دانشنامه پیرانشهر: «تاریخ و فرهنگ، آداب و رسوم، طوایف و بافت
تحقیق و تالیف	جمعیتی، بازی ها، غذاها، قصه ها ...»
مشخصات نشر	: کمال روحانی.
مشخصات ظاهری	: سنندج، آراس ۱۳۹۷
شماره	: ۹۰۰ ص
شماره ثبت	: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۷۶۸۲ - ۹۹۰۹
موضوع	: فنی
شماره مجلد	: Piranshahr (Iran) پیرانشهر
رده بندی	: کردان - ایران - آذربایجان غربی -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
شماره کتابت	: Kurds -- Iran -- Azerbaijan, West -- Social life and customs
ملی	: ۲۰۷۷DSR / ۱۳۹۷ / ۹۳
	: ۳۳۲۵ / ۷۳۹۵۵
	: ۵۲۵ / ۱۸



دانش نامه ی پیرانشهر

(گذاری بر تاریخ، فرهنگ، آداب، آیین ها، بکلور، توریسم)

تألیف و تحقیق: دکتر کمال روحانی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

۹۹-۷۶۸۲-۶۰۰-۹۷۸: شابک

مرکز پخش: سنندج، پاساژ عزتی، انتشارات آراس

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

ایمیل: arasbooks۷۳@gmail.com

فهرست مختصر مطالب

پیشگفت	۲۳
فصل اول: کردستان و منشأ تاریخی مردم کرد	۲۷
فصل دوم: گذار تاریخی پیرانشهر از ظهور تا کنون	۴۹
فصل سوم: مرآت جغرافیایی، حیات گیاهی و جانوری	۶۱
فصل چهارم: طایفه ساختار جمعیتی، ایل بلباس	۱۰۵
فصل پنجم: زمین، کاردی، شینه و شاخه‌های آن	۱۵۵
فصل ششم: لباس و پوشش، زی‌رالات، مواد آرایشی	۱۷۳
فصل هفتم: نامگذاری فصل و ماه در گویم کردی	۱۸۵
فصل هشتم: جشن‌ها، اعیاد دینی، مراسم اهل عرفان	۲۰۳
فصل نهم: جشن ملی نوروز و رسوم آن	۲۲۵
فصل دهم: ازدواج، رسوم و انواع رقص محلی کردی	۲۴۱
فصل یازدهم: از مرگ تا ترحیم و رسوم آن	۲۵۵
فصل دوازدهم: باورها و عقاید عامیانه	۲۶۵
فصل سیزدهم: طب سنتی و درمان بیماری‌های انسان و دام	۲۷۷
فصل چهاردهم: ادبیات بزرگسال با تمرکز بر قصه	۳۰۱
فصل پانزدهم: بیت‌ها یا منظومه‌های حماسی، عرفانی و غنایی	۳۱۷
فصل شانزدهم: چه‌یران، گه‌لو، گولی، نازیزه، به‌ه‌اره	۳۹۵

فصل هفدهم: بالوره، ترانه سوگ، لالایی و گورانی مه‌شکه	۴۱۹
فصل هیجدهم: گورانی، بهند، گهره‌لاوژه، موناجات	۴۵۱
فصل نوزدهم: ادبیات کودکان با تمرکز بر قصه پردازی	۴۹۳
فصل بیستم: متل‌ها و چیستان	۵۱۵
فصل بیست و یکم: بازی‌های فکری و حرکتی	۵۴۱
فصل بیست و دوم: غذاهای سنتی و رایج	۵۷۵
فصل بیست و سوم: گردشگری، زیارتگاه‌ها و بیلاق‌ها	۶۰۵
فصل بیست و چهارم: تپه‌ها و قلعه‌های باستانی پیرانشهر	۶۲۹
فصل بیست و پنجم: ناگذاری و موقعیت روستاها	۶۴۵
فصل بیست و ششم: ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌های رایج	۷۰۵
فصل بیست و هفتم: قدیمه‌های پیرانشهر	۷۵۹
فصل بیست و هشتم: زیر بناهای سنتی و اعتقادی	۷۶۵
فصل بیست و نهم: اصطلاحات کشاورزی، دامداری، نانوايي	۷۹۱
فصل سی‌ام: پیرانشهر از نگاه تصاویر	۸۲۷
فهرست منابع	۸۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در دفتر زمانه، فُتد نامش از قلم هر ملّتی که مردمِ صاحبِ قلمِ نداشت دیوان اشعار، فرخی یزدی

بسم الله الرحمن الرحيم

دانشنامه پیرانشهر، حافظه مردم پیرانشهر است؛ حافظه‌ای که به قول فردوسی توسل به باران و باران، نیابد گزند». یعنی به سهم خود، گزارشگر تاریخ و فرهنگ پیرانشهر است که در این نقطه‌ی خاکی، قد برافراشته‌اند. گزارشگری که چونان، ترجمانی صادق و امین یا به دیگر سخن، قصه گویی شیرین گفتار و کهنه‌سبب به سخن می‌گشاید. برای پیران، جوانان و نوجوانان از زندگی نیاکان، شادی‌ها، غم‌ها، آداب و رسوم، جشن‌ها و سرورها می‌گوید. از غذا و بازی، ضرب‌المثل‌ها و مثل‌ها، نیز تاریخ این مرز و بوم، قصه‌ها در دل دارد تا بین سلف و خلف، پل بسازد و در گوش‌مان بچکاند: که بودیم؟ چه کردیم؟ چه دیدیم و چشیدیم؟ چه فرهنگ و تاریخی داشته‌ایم؟ و حال، در کجای تاریخ، قرار گرفته‌ایم؟ سالتی بر دوش داریم؟

اینکه می‌گوییم: دانش‌نامه‌ی پیرانشهر، حافظه‌ی مردمان پیرانشهر است؛ سخنی به گزاف و ادعایی از لاف نیست. چون این کتاب، گذاری از تمدن و فرهنگ مردمان مناطق کردنشین را (با تمرکز بر پیرانشهر) از گذشته تا حال ترسیم می‌کند. گذار بلند دامانی که خانه‌ی من را تا به پیرانشهر امروز فراگرفته و در طول دوران و عبور جریان‌های فعال و نیمه

فعال تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تا بدینجا پروریده است و ناخودآگاه به دلمان می‌اندازد، ای کاش! برای یک لحظه هم شده، آن فضا و آن روزها را تجربه می‌کردیم یا ای کاش! چنین نمی‌شد و چنان نمی‌کردند و به دنبالش، آهی سرد...!

دانش‌نامه، کَشکولِ فکری، تاریخی و فرهنگی خانه یا پیرانشهر امروزی است. «خانه»ای که گَنامِ (لانه) دلیر مردان و شیر زنانی است که باعث و بانی آن شهر بوده و هستند. وقتی در کوچه‌های شهر و ذیلِ کوه‌های منطقه‌ی منگور و دشتِ سرسبزِ لاجان و دامانِ بلندِ پیران، گام برداری، به خوبی از سبزیِ دشتِ لاجان و منگور و پیران، بوی امید و شادی به مشامت می‌رسد و از بلندای تالش تا قزوین، شاه، بلند نظری و مناعتِ طبع این مردم را لمس خواهی کرد که چگونه در طراوتِ تاریخ، بلندِ نظر و بزرگِ همت زیسته‌اند. همچنین از پاکیِ رودها و چشمه‌سارهای منطقه‌ی پیرانشهر، صفا و پاکی مردم را استشمام خواهی کرد که گاه، با پاکی و صفوت، بازیچه‌ی دست ناپاکان قرار گرفته است. باز از سختیِ بلندی‌ها و تپیل، سنگ‌های خرنج و کوه‌های سرشاخان، سخت‌کوشیِ مردمانِ این رز و بوم تجلی می‌کند که چگونه برای بقا و دوامِ شهر و فرهنگ خویش کوشیده‌اند. خروشِ آبشارِ خریاپ، رودِ بادین آباد و افتادنشان در گودِ درّه، جوشش و تدوام برای زنان و آبادانی و قارمندیِ مردمانِ شهرم را ترانه می‌سازد. تموجِ معنویت و خدامداریِ پیرانشهر، در بانگِ گلدسته‌های مساجد، نمود می‌یابد و نمازِ جمعه و استقبال از ماهِ رمضان و حرکاتِ پرشورِ نمازِ عید، همگی رنگی از خداست و حرکتِ دین در بطن و رویِ شهرم، خانه.

وقتی فصلِ پاییز می‌رسد و کوه و دشت و صحرا از مواهبِ طبیعت محروم می‌شود، بی اختیار محرومیت و مشکلاتِ این مردم در خاطرت نقش می‌بندد. اما صلابت و توانشِ مردمانی که در درازنای تاریخ، برهمه‌ی

مشکلات، فایق آمده‌اند تو را از این یأس لحظه‌ای می‌دزد و در آغوش آینده‌ای روشن، نامزد می‌سازد...

بعد از نگارش کتاب «تاریخ و فرهنگ پیرانشهر» که نخستین اثر مدون به سبکی دانشگاهی بود، پیشنهادهای فراوانی به این جانب رسید که گرچه برخی، خالی از گزند نبودند اما حقیر را بر آن داشت که گسترده‌تر و عمیق‌تر به تاریخ و فرهنگ منطقه‌ی پیرانشهر پردازیم. در این میان، عده‌ی زیادی از دوستان و اندازان فرهنگ و تاریخ شهرستان از حقیر سراپا تقصیر می‌خواستند در فرصتی به سورت شمع‌تر و فربه‌تر به تاریخ و گذار فرهنگی تاریخی شهرستان پردازم.

برای بیان گذشته این مهم؛ یزدیک به ۷ سال، تحقیقات میدانی و کتاب‌خانه‌ای صورت گرفت. اما اینان تمام می‌توان گفت: بیشتر مطالب این کتاب، ماحصل تحقیقات میدانی است که در طول این چند سال از دورترین روستاهای منگور تا مامش و منطقه‌ی میان، جمع‌آوری و ضبط گردید و بعد از پیاده‌سازی و ویرایش، نگاشته شد. لذا از این منظر، کاری نو و تازه است که بر آن، گردِ تقلید، ننشسته است و فقط خودم می‌دانم که چه زحمات و خطراتی را متحمل شده‌ام. خیلی‌ها، گمان می‌کنند که دنبال زیرخاکی‌ها هستیم؟! آری! آنان درست می‌انگاشتند اما گنج من، یادگار نیاکان است که از ورای سال‌ها تاکنون در قلب مردمان سرزمینم، لانه ساخته و با سهم خود، اندکی را استخراج کردم.

راقم این سطور، ادعای تقدس و عصمت ندارد اما مدعی است - به لطف خدا - به بیشترین جوانب تاریخ و فرهنگ مردم پیرانشهر و منطقه‌ی موکریان از گذشته تا حال پرداخته است. به گونه‌ای که آن‌چه را نیاکان‌مان، به یادگار گذاشته بودند، حفظ و ضبط کنیم که چکان چکان از حافظه‌ی مردم، پاک می‌شد یا بر آن، غبار نرم فراموشی می‌نشست.

کسانی که با کتاب و مطالعه سر و کار دارند، نیک مستحضرند تا قبل از کتاب‌های «تاریخ و فرهنگ پیرانشهر و دانشنامه‌ی پیرانشهر» ۱۰۰ صفحه مطلب تحقیقی و دانشگاهی درباره‌ی پیرانشهر وجود نداشت که به صورت کتابی مستقل درآمده باشد و این همیشه حقیر را آزار می‌داد و پیوسته، مترصد بودم که بزرگوارانی دیگر، پا، پیش بگذارند اما بسی منتظر نشستم و چشمم به راه بود و خبری نشد. لاجرم با توکل به خدا، شروع کردم که فرجامش شد آنچه فراخی بزرگواران است.

دوباره، محضر خوانندگان عزیز، عرض می‌کنم: این جانب، ادعای عصمت و کاستی ندارد اما خود را در پیشگاه خدا- إن شاء الله- و بعد مردم پیرانشهر، سربلند و مفتخر می‌دانم که در جایگاه فرزند این مردم، توانسته، خدمتی- گرچه قلیل- به فرجام رساند و دیگر وظیفه‌ام را به مردم و منطقه، ادا کرده باشم. امیدوارم، مردم هم چنین نصیحت در مورد این حقیر نموده و مرا، بحل (حلال) کنند. گرچه- چنانکه گفته شد هیچ نوشته‌ای جز کتاب خدا، کامل و صحیح نخواهد بود. به قول شاعر:

قبا گر حریر است و گر پرنیان به چار خشوش بود در میان

خداوند، در روز قیامت که فرجام و سرانجام نبیند آنجاست، مرا از زمره‌ی مؤمنان صادق، محسوب داری و با همشهریان، زبیر ثوای حضرت رسول، اهل بیت مکرّمش، اصحاب کرام، علمای اعلام و صاحبان خاموش تاریخ، محشور بگردانی! چه خوش گفت، مولانا، جلال الدین رومی:

گر خطا گفتیم، اصلاحش تو کن مصلحی تو، ای تو، سلطان سخن

والسلام علی من اتبع الهدی / پیرانشهر- دیماه ۱۳۹۷

کمال روحانی (العبد)